

پژوهش‌های زبانی، سال ۹، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
(از ص ۱۰۹ تا ص ۱۲۸)

تأثیر تماس زبانی بر کاربرد حروف ربط فارسی در ترکی آذربایجانی

عبدالحسین حیدری^۱

استادیار گروه علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان
تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۴/۴؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۷/۱۱

چکیده

تحقیق حاضر به کارگیری حروف ربط زبان فارسی، توسط گویشوران ترکی آذربایجانی و تأثیر آن بر زبان ترکی آذربایجانی را مطالعه کرده است. داده‌ها از منابع معتبر ترکی آذربایجانی و تعاملات گویشوران آن زبان در مناطق مرکزی استان اردبیل گردآوری شد. با تحلیل داده‌ها براساس معیارهای زبانی و غیرزبانی تمایز رمزگردانی از قرض‌گیری، مشخص گردید که عمده حروف ربط زبان فارسی به صورت وام‌واژه در زبان ترکی آذربایجانی، نقش‌آفرینی می‌کنند و تعدادی از آنها نیز طی فرایند رمزگردانی زبانی، در گفتار دوزبانه‌ها ظاهر می‌شوند. یافته‌های تحقیق در تطابق با دیدگاه میرزاسکاتن (۱۹۹۳، ۲۰۰۶)، می‌باشد که پیوستار رمزگردانی-قرض‌گیری را مکانیزمی برای تکمیل و تثبیت راه‌یابی عناصر از زبانی به زبان دیگر، مطرح کرده است. قرض‌گیری حروف ربط فارسی موجب می‌شود که گویشوران ترکی آذربایجانی برای پیوند بندهای جملات مرکب ناهم‌پایه، علاوه بر الگوهای نحوی زبان خود، از الگوهای نحوی زبان فارسی هم استفاده نمایند. طبق نتایج تحقیق حاضر، این تغییرات نحوی که دلایل کاربردی دارند با سطح دوم رده‌بندی عناصر قرضی توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، مطابقت دارد که دامنه تغییرات نحوی حاصل از وام‌گیری حروف ربط در زبان قرض‌گیرنده را، محدود و اندک فرض کرده است.

واژه‌های کلیدی: حروف ربط، زبان فارسی، زبان ترکی آذربایجانی، قرض‌گیری، رمزگردانی

a_heidari53@yahoo.com

^۱. رایانامه نویسنده مسئول:

۱- مقدمه

محققانی نظیر بلومفیلد^۱ (۱۹۳۳)، هاگن^۲ (۱۹۵۰) و واین‌رایش^۳ (۱۹۵۳)، برخورد زبانی را به عنوان یک رشته تحقیقاتی جدید زبان‌شناسی در قرن بیستم معرفی کردند. برخورد زبانی می‌تواند به اشکال مختلف تماس دو زبان و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر (قرض‌گیری، رمزگردانی^۴، همگرایی و ...) نمایان شود. قرض‌گیری یا همان رد و بدل شدن (داد و ستد) عناصر زبانی میان دو جامعه زبانی، طبیعی‌ترین و متداول‌ترین حالت برخورد آن‌هاست. توماسون و کافمن^۵ (۱۹۸۸)، معتقدند که گویشوران یک زبان از طریق قرض‌گیری، ویژگی‌های زبان دیگر را به زبان خودشان ملحق می‌کنند. از نظر مدرسی (۱۳۸۷)، اکثر زبان‌شناسان قرض‌گیری زبانی را روندی دانسته‌اند که طی آن عناصری از یک زبان یا گویش، به زبان‌ها یا گویش‌های دیگر وارد می‌شود.

واژه‌ها، اولین عناصری هستند که در برخورد و اصطکاک زبان‌ها به زبان قرض‌گیرنده، انتقال پیدا می‌کنند؛ اما اگر فشار فرهنگی از سوی گویشوران زبان مبدأ (قرض‌دهنده) طولانی مدت و شدید باشد، به دوزبانگی گسترده در جامعه قرض‌گیرنده منجر می‌شود و به دنبال آن ممکن است قرض‌گیری دستوری و همچنین قرض‌گیری واجی اتفاق بیفتد (توماسون و کافمن، ۱۹۸۸: ۳۷). فعل‌ها و حروف اضافه نسبت به اسم‌ها و صفت‌ها، کمتر توسط گویشوران یک زبان به عاریت گرفته می‌شوند؛ زیرا فعل‌ها و حروف اضافه بر مقوله‌های دیگر جمله حاکم هستند و به آنها حالت^۶ می‌دهند. حروف ربط (مانند اما، درحالی که، اگر و ...)، در حدفاصل بین واژه‌های محتوایی (اسم، صفت) و واژه‌های دستوری (فعل و حرف اضافه) قرار دارند و این ویژگی زبانی، به سهولت راه‌یابی آنها از زبانی به زبان دیگر کمک می‌نماید. قرض‌گیری نامتوازن عناصر مختلف زبانی موجب شد تا پژوهش‌ها از اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد به سمت و سوی تعیین سلسله مراتب نتایج قرض‌گیری سوق پیدا کند و محققان تلاش کردند تا به محدودیت‌های جهان‌شمول در قرض‌گیری زبانی دست یابند که در بخش پیشینه تحقیق به تعدادی از آنها، اشاره خواهد شد. اما میرزاسکاتن^۷ (۱۹۹۳: ۲۱۲)، معتقد است که اکثر این

1. Bloomfield

2. Haugen

3. Weinreich

4. Code-switching

5. Thomason & Kaufman

6. case

7. Myers-Scotton

تحقیقات، نتایج برخورد زبان‌ها را مطالعه کرده‌اند و به نحوه تکمیل و مراحل تثبیت تغییرات حاصل از این پدیده زبانی، توجه چندانی نکرده‌اند. از نظر میرزاسکاتن (۱۹۹۳)، معمولاً یک واژه در زبان قرض‌گیرنده، ابتدا در گفتار دوزبانه‌ها ظاهر می‌شود که از آن به عنوان واژه رمزگردانی‌شده^۱ یاد می‌شود و به تدریج همین واژه با کسب بسامد بالا، به گفتار یک‌زبانه‌ها نیز راه می‌یابد و به واژه قرضی تبدیل می‌شود؛ بنابراین ریشه قرض‌گیری در اکثر موارد به رمزگردانی‌زبانی^(۱) برمی‌گردد. رمزگردانی‌زبانی به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در یک جمله یا پاره‌گفتار دلالت دارد (وان دولم^۲، ۲۰۰۷: ۱). برای مثال؛ فرد دوزبانه فارسی-انگلیسی، در جمله *paper* / *accept* نشد؛ واژه‌های انگلیسی را به صورت عناصر رمزگردانی‌شده، در درون جمله فارسی به کار برده است. در راستای مباحث قرض‌گیری و تمایز آن از رمزگردانی، تحقیق حاضر قصد دارد تا ضمن تحلیل فرایند به‌کارگیری حروف ربط زبان فارسی توسط سخنگویان ترکی‌آذربایجانی، نتایج و تأثیرگذاری آن بر نظام زبان ترکی‌آذربایجانی را نیز مطالعه کند.

۲- پیشینه تحقیق

مطالعات اولیه قرض‌گیری، اغلب به فهرست‌بندی وام‌واژه‌ها و بررسی نتایج قرض‌گیری توجه داشته است. مطالعه کمی میوسکن^۳ (۱۹۸۱)، تعیین سلسله مراتب قرض‌گیری زیر را با تکیه بر تحلیل عناصر قرضی زبان اسپانیایی در زبان چکوا، ممکن ساخت:

اسم < صفت < فعل < حرف اضافه < حرف ربط هم‌پایه < کمی‌تما < حرف تعریف < ضمیر < واژه‌بست < حرف ربط وابسته. در ادامه تحقیقات دیگری نظیر پاپلاک، سانکوف و میلر^۴ (۱۹۸۸)، به نتایج مشابه دست یافتند و از دیدگاه آنها نیز، عناصر طبقه باز زبان (اسم، صفت، فعل) نسبت به عناصر طبقه بسته (حروف اضافه، حروف ربط و ضمیرها)، سهل‌تر قرض گرفته می‌شوند. توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، با در نظر گرفتن شدت برخورد زبان‌ها و فواصل رده‌شناختی آنها از یکدیگر، به طبقه‌بندی قرض‌گیری می‌پردازند که ترفردالر^۵ (۲۰۱۰)، نسخه مختصر آن را به صورت زیر ارائه می‌کند.

سطح یک: سطحی که واژگان یا همان واژه‌های محتوایی (اسم و صفت) را در بردارد.

1. Code-switched word

2. Van Dulm

3. Muysken

4. Poplack, Sankoff and Miller

5. Treffers-Daller

سطح دوم: سطح واژه‌های نقشی (حروف ربط و قیدها)، همراه با تغییرات نحوی محدود
 سطح سوم: سطح حروف اضافه و انواع وندها
 سطح چهارم: سطح ویژگی‌های دستوری عمده مانند ترتیب کلمات
 سطح پنجم: تغییرات عمده ساختوازی-نحوی که موجب تغییر در ساختمان و رده‌بندی
 صرفی زبان قرض‌گیرنده می‌شود.

همان‌طوری که در مدل سلسله‌مراتب قرض‌گیری توماسون و کافمن (۱۹۹۸)، مشهود است؛ پایین‌ترین سطح قرض‌گیری به واژگان اختصاص دارد، درحالی که رخداد قرض‌گیری ساختاری و نحوی، فقط در سطوح بالاتر ممکن است. از نظر توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، وجود قرض‌گیری ساختاری در یک زبان، حاکی از آن است که قرض‌گیری واژگانی از قبل در همان زبان اتفاق افتاده است. دامنه تغییرات نحوی در سطح دوم مدل، محدود و اندک فرض شده است زیرا توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، معتقدند که حروف ربط قرضی نمی‌تواند تغییراتی را از لحاظ رده‌شناختی در زبان قرض‌گیرنده به وجود بیاورد. در همین ارتباط، ترفرزدالر (۲۰۱۰)، به قرض‌گیری حروف ربط هلندی بروکسلی از فرانسه اشاره می‌کند که تغییرات نحوی محدودی را در زبان پذیرنده سبب شده است. سطح سوم مدل سلسله‌مراتب قرض‌گیری، به وام‌گیری حروف اضافه و وندها تعلق دارد؛ توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، به چندین پسوند زایا مانند (-able, -ery, ...) اشاره می‌کنند که از زبان فرانسه به انگلیسی میانه راه یافته است. ورود تکواژ جمع زبان عربی «ات» به زبان فارسی نیز می‌تواند مثالی برای سطح سوم مدل قرض‌گیری در نظر گرفته شود. سطوح چهارم و پنجم که سطوح قرض‌گیری ویژگی‌های عمده دستوری را دربردارند، غیرمعمول‌ترین نوع قرض‌گیری زبانی به شمار می‌آیند. توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، جایگزینی ترتیب اسم+صفت زبان رومانس با ترتیب صفت+اسم آلمانی را تقریباً نمونه خوبی برای سطح چهارم مدل قرض‌گیری متصور شده‌اند. از دیدگاه آنها، تأثیر زبان ترکی بر روی گونه‌ای از یونانی^۱، مثالی دیگر برای قرض‌گیری ساختاری در سطح پنجم است؛ گونه یونانی علاوه بر قرض‌گیری ترتیب کلمات چندین ساخت نحوی ترکی، حتی فرایند هماهنگی واکه‌ای ترکی را نیز وام گرفته است. داوکینز^۲ (۱۹۱۶: ۱۹۸)، در همین رابطه اظهار نموده است که از این گونه فقط کالبد یونانی مانده است درحالی که روح آن به زبان ترکی تعلق دارد.

^۱. Asia Minor Greek

^۲. Dawkins

سالمونز^۱ (۱۹۹۰)، از جمله کسانی است که تمرکز مطالعات قرض‌گیری را در جهت سطوح کاربردشناختی و تحلیل کلام پیش برد و از نقش‌نماهای انگلیسی (مانند البته، خوب، اما و...) یاد می‌کند که گویشوران آلمانی-آمریکایی به کار می‌برند. فریزر^۲ (۱۹۹۹)، نقش‌نماهای کلامی را عبارت‌های واژگانی می‌داند که در اصل از سه گروه نحوی: حروف‌ربط، قیدها و گروه‌های حرف‌اضافه‌ای گرفته شده‌اند. این عناصر رابطه بین بخشی که نقش‌نمای کلامی معرف آن است با پاره‌گفتار بعدی را نشان می‌دهد. نقش‌نماهای کلامی معمولاً عناصر اختیاری‌اند و می‌توان آنها را بدون آن که به ساخت نحوی جمله خدشه‌ای وارد کنند، از جمله حذف کرد. هرچند برخی از حروف‌ربط در جرگه نقش‌نماها قرار دارند؛ اما نقش‌نماهای کلامی و حروف‌ربط، مقولات زبانی متفاوتی هستند؛ زیرا حروف‌ربط مقولات نحوی‌اند که دو گزاره را به یکدیگر ربط می‌دهند؛ اما نقش‌نماهای کلامی مقولاتی کاربردشناختی‌اند که به پیوستگی و انسجام در گفتمان کمک می‌کنند. ماتراس^۳ (۱۹۹۸)، برای تبیین محدودیت‌های قرض‌گیری، به ترکیبی از عوامل کاربردشناختی و روان‌شناختی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که سلسله مراتب دستوری نمی‌تواند تبیین مناسبی از نقش‌نماهای کلامی که رفتار دستوری یکسانی دارند، ارائه دهد درحالی که اصول کاربردشناختی می‌تواند درجات قرض‌گیری نقش‌نماها را توجیه نماید. گاس و سالمونز (۲۰۰۰)، با تشریح سیر تکاملی نقش‌نماهای کلامی دوزبانه‌های آلمانی-آمریکایی در چارچوب دیدگاه میرزاسکاتن (۱۹۹۳)، نتیجه‌گیری کردند که نقش‌نماهای انگلیسی ابتدا به صورت رمزگردانی وارد زبان آلمانی می‌شوند و در نهایت به وام‌واژه تبدیل می‌شوند. غیاثیان و رضایی (۱۳۹۱)، به بررسی پدیده رمزگردانی در میان دوزبانه‌های ارمنی-فارسی تهران، پرداختند و نشان دادند که زبان ارمنی دوزبانه‌های ارمنی-فارسی در برخورد با زبان فارسی، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در نتیجه، عناصر زیادی از زبان فارسی به ارمنی وارد می‌شود که برخی از این عناصر وام گرفته شده‌اند و برخی دیگر به دلیل رمزگردانی در گفتار دوزبانه‌ها به کار می‌روند. و صفوی (۱۳۷۴)، ضمن بررسی علل قرض‌گیری، طبقه‌بندی کلی از واژه‌های قرضی در زبان فارسی ارائه کرده است.

1. Salmons

2. Fraser

3. Matras

مطالعات متعددی در زمینه قرض‌گیری از زبان فارسی به ترکی آذربایجانی صورت پذیرفته است. سلوبین^۱ (۱۹۸۶)، با مطالعه مشکلات کودکان ترک‌زبان در یادگیری بند موصولی و سایر بندهای وابسته، اظهار نموده است که ترک‌زبانان به‌ویژه ترک‌زبانان ایرانی برای فائق آمدن به مسائلی نظیر پردازش ساختواژه پیچیده و حالت‌گذاری در جملات مرکب زبان خود، به استفاده از آرایش نحوی ساخت‌های وابسته زبان فارسی متوسل می‌شوند. یاری (۱۳۷۴)، انواع واژه‌های قرضی از زبان فارسی در ترکی آذربایجانی را مشخص کرده و تغییرات آوایی، ساختواژی و معنایی آنها را بررسی نموده است. لی^۲ (۱۹۹۶)، با ارائه پیکره زبانی از کاربرد بند موصولی در ترکی آذربایجانی، نشان داد که به دلیل تأثیر زبان فارسی، ۳۹ درصد بندهای موصولی در پاره‌گفتارهای گویشوران ترکی آذربایجانی، به صورت پس‌هسته‌ای (الگوی زبان فارسی) نمایان می‌گردد. یافته‌های نغزگوی کهن و عبدالملکی (۱۹۹۳)، حاکی از آن است که به دلیل تفاوت‌های آوایی، معنایی و دستوری زبان فارسی و ترکی آذربایجانی، بهترین راه‌کارهای انطباق افعال قرضی برای زبان ترکی آذربایجانی، دو راه‌کار درج غیرمستقیم و وام‌گیری معنایی می‌باشد. محمودی (۱۳۹۳)، نتیجه‌گیری کرده است که ترکی آذربایجانی به دلیل تماس با زبان فارسی، متحمل تغییراتی همانند تغییر در ترتیب عناصر جمله به خاطر به‌کارگیری برخی تکواژهای دستوری و تغییر در رده صرفی از پیوندی به تحلیلی، در نتیجه الگوبرداری از فعل مرکب فارسی می‌شود.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها، از هر دو نوع منابع کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. به مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های معتبر که قرض‌گیری ترکی آذربایجانی از فارسی یا دستور زبان ترکی آذربایجانی را مطالعه کرده‌اند، مراجعه گردید و داده‌هایی نظیر انواع حروف ربط، جمله‌های مرکب هم‌پایه و ناهم‌پایه از میان مطالب مختلف، استخراج و دسته‌بندی شد. گروه دوم داده‌ها، از تعاملات زبانی ۳۰ نفر (مرد و زن) از گویشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل (اردبیل، مشگین‌شهر و روستاهای تابعه)، به روش نمونه‌گیری در دسترس، و آنهایی که تمایل به همکاری داشتند، ضبط و جمع‌آوری شد (حدود ۱۲ ساعت). ۱۰ نفر از این گروه که

1. Slobin

2. lee

تک‌زبان (ترکی‌آذربایجانی) بودند، از سنین بالای ۵۰ سال برخوردار بودند و بقیه گروه، غیر از زبان بومی، توانایی تکلم به زبان فارسی را نیز داشتند (دوزبانه) و سن‌شان بین ۱۸ تا ۶۰ سال در نوسان بود. خود دوزبان‌ها دو گروه را شامل می‌شدند. یک گروه ۱۰ نفره تحصیل کرده و یا دانشگاهی که مشغول کارهای آموزشی، فرهنگی و اداری بودند و گروه دیگر که از سواد عمومی برخوردار بودند، شغل آزاد داشتند. همچنین نویسنده در گردآوری و تحلیل داده‌ها، به دلیل ترک‌زبان بودن، از شمّ زبانی خود هم استفاده نموده است. با دسته‌بندی و شمارش انواع حروف ربط قرضی در میان گفتار گویشوران ترکی‌آذربایجانی، مشخص گردید که حرف ربط **ولی** با فراوانی ۵۳ و حرف ربط قیدی **به‌جزاین‌که** با فراوانی ۷، به ترتیب از بیشترین و کمترین فراوانی کاربرد برخوردار هستند. ماتراس (۱۹۹۸: ۱۵۸)، نیز حرف ربط **ولی** را پربسامدترین حرف ربط قرضی معرفی کرده است. ترتیب فراوانی کاربرد داده‌های تحقیق حاضر، به صورت زیر نشان داده می‌شود: **ولی** < اما < چون < چون که < که < یا < اگر < وقتی که < درحالی که < وقتی < و < هرچند < زمانی که < در صورتی که < مگر این که < به‌جز این که؛

جدول ۱، تعداد جملات مرکب بر اساس الگوهای زبان فارسی و ترکی‌آذربایجانی

تعداد و نوع جملات مرکب ناهم‌پایه‌ای	تعداد جملات مرکب با الگوی زبان ترکی‌آذربایجانی	تعداد جملات مرکب با الگوی زبان فارسی در پی کاربرد حروف ربط وابسته
۴۷ جمله مرکب با بند قیدی	۲۷	۲۰
۲۵ جمله مرکب با بند موصولی	۱۳	۱۲
۱۱ جمله مرکب با بند متممی	۲	۹

هر دو نوع حروف ربط هم‌پایه (و، اما، ...) و وابسته (اگر، چون، که و ...) زبان فارسی، توسط گویشوران ترکی‌آذربایجانی به کار برده می‌شود. چون شیوه پیوند بندهای جمله مرکب هم‌پایه در زبان‌ها، متفاوت نیست و تأثیرگذاری حروف ربط وابسته زبان فارسی بر نحو ترکی‌آذربایجانی بارزتر است؛ بنابراین در جدول ۱، فقط تعداد و انواع جملات مرکب ناهم‌پایه گردآوری شده به روش میدانی، ارائه شده است که نمونه‌هایی از آنها، در مثال‌های ۵ تا ۱۸، قابل مشاهده است.

۴- یافته‌ها

ایرانیان دارای زبان مادری غیر فارسی، برای ارتباط با سایر هم‌وطنان خود و همچنین برای تحصیل در مقاطع مختلف نظام آموزشی و پژوهشی، زبان فارسی را به‌عنوان زبان رسمی و آموزش کشور، یاد می‌گیرند و این به‌معنی دوزبانگی جمعی و گروهی است که خود، منبع عمده ورود عناصر زبان فارسی به زبان‌ها و گویش‌های دیگر کشورمان از جمله زبان ترکی آذربایجانی است. علاوه بر این؛ جایگاه اجتماعی، فرهنگی و ادبی زبان فارسی باعث شده است تا واژه‌های قرضی بیشتری در طول نسل‌های متمادی، از زبان فارسی به زبان ترکی آذربایجانی انتقال یابد که در این میان، سهم واژه‌های محتوایی (اسم‌ها و صفت‌ها) به دلیل ارتباط قوی آنها با محتوای فرهنگی و اجتماعی جامعه، بیشتر بوده است. حروف ربط زبان فارسی که به‌عنوان رابط بین بندهای جملات مرکب، ایفای نقش می‌نمایند، تأثیر نحوی تعیین‌کننده‌ای بر دیگر عناصر درون این بندها ندارند؛ بنابراین راه‌پایی آنها به پاره‌گفتارهای زبان ترکی آذربایجانی نسبت به سایر تکواذهای دستوری، راحت‌تر انجام گرفته است. ارائه نمونه‌هایی از داده‌ها، در چهارچوب تقسیم‌بندی حروف ربط زبان فارسی مشکوة‌الدینی (۱۳۹۴: ۲۶۲-۲۵۶)، انجام می‌گیرد؛ زیرا گویشوران ترکی آذربایجانی، حروف ربط فارسی را مانند فارسی‌زبانان برای پیوند سازه‌ها، به‌ویژه بندهای جملات مرکب به‌کار می‌برند.

۴-۱- حروف ربط هم‌پایه: جمله ممکن است به‌صورت رشته‌ای از دو یا چند بند اصلی پیوند یافته و به دنبال هم با یکی از حروف ربط هم‌پایه‌ای (و، یا ... و ... یا، ولی و اما) تولید شود. بندهای سازنده جمله مرکب، از لحاظ دستوری مستقل هستند. به‌همین لحاظ به‌عنوان بندهای هم‌پایه در نظر گرفته می‌شوند.

1- gapī-nī ash-dī vāe hamī-nī dāevæt elæ-dī.

کرد دعوت را همه و کرد باز را در

۱- در را باز کرد و همه را دعوت کرد.

2- ya ev-æ qæl ya orda-a gal.

بمان در-آنجا یا بیا به-خانه یا

۲- یا به خانه بیا یا در آنجا بمان.

3- besh gun tæzæ ay-dan kech-ir vaeli hugug-ī ver-mir-lær.

نمی‌دهند را-حقوق ولی می‌گذرد از-ماه جدید روز پنج

۳- پنج روز از ماه جدید می‌گذرد ولی حقوق را نمی‌دهند.

4- hamī get-ti amma mæn gal-dīm.

ماندم من اما رفتند همه

۴- همه رفتند اما من ماندم.

حروف ربط هم‌پایه‌ای **و**، **یا** به مفهوم پیوند ساده و مطلق و حروف ربط **و**، **ولی** به مفهوم تضاد دو بند اشاره می‌کنند.

۲-۴- حروف ربط وابسته: به جملات مرکبی که دست‌کم از یک بند اصلی و یک بند وابسته تشکیل شده باشد، جملات مرکب ناهم‌پایه‌ای گفته می‌شود. بند اصلی بدون حرف ربط و بند وابسته با یکی از حروف ربط وابسته آشکار یا پنهان در جایگاه آغازی دیده می‌شود. جملات مرکب ناهم‌پایه‌ای به سه دسته تقسیم می‌شوند.

۱-۲-۴- جمله مرکب ناهم‌پایه‌ای با بند موصولی: در این نوع جملات، بند وابسته موصولی (که بند وصفی یا درونه نیز گفته می‌شود و یک بند اختیاری است) از طریق حرف ربط **که**، به دنبال هسته گروه اسمی (اسم) به کار می‌رود.

5- ushax-lar **ki** qej qæl-di-lær gapî-da gal-dî-lar.

مانند پشت در آمدند دیر که بچه‌ها

۵- بچه‌هایی که دیر آمدند پشت در ماندند.

۲-۲-۴- جمله مرکب ناهم‌پایه‌ای با بند متمم: در جمله‌های مرکب ناهم‌پایه‌ای مانند جمله ۶، بند وابسته، بند متمم فعل می‌باشد و به همین سبب کاربرد آن بعد از فعل، اجباری است و حرف ربط **که**، در آغاز بند متمم، ممکن است پنهان باشد. بند متمم، مشخصه نحوی دسته خاصی از افعال واژگانی مانند **demæk** (گفتن)، **istæmæk** (خواستن)، **bilmæk** (دانستن) و ... است که به مفاهیم دستوری بیانی و یا ادارکی دلالت دارند.

6- ushax-lar bil-ir-di-lær (**ki**) zænq tez vîr-îl-ajax.

زده خواهد شد زود زنگ (که) می‌دانستند بچه‌ها

۶- بچه‌ها می‌دانستند (که) زنگ زده خواهد شد.

۳-۲-۴- جمله مرکب ناهم‌پایه‌ای با بند قیدی: در جمله‌های مرکب ۷ تا ۱۲، بند وابسته رابطه دستوری قید را داراست؛ بند قیدی الزاماً با یکی از حروف ربط قیدی به کار می‌رود که عبارتند از: چون، چون که، زمانی که، اگر، هرچند، درحالی که، مگر این که، به جز این که و ... بند قیدی برحسب حرف ربط حاضر در آن به یکی از مفاهیم علت، زمان، شرط، هدف، تقابل، استثنا و ... اشاره می‌کند.

7- o-lar qæl-mæz-lær **chün ki** bil-lir-lær mæn bir-di-yam.

هستم در-اینجا من می‌دانند که چون نمی‌آیند آنها
۷- آنها نمی‌آیند چون که می‌دانند من اینجا هستم.

8- o zaman ki sæn-i sæs-læ-dim qonshu-lar qæl-di-lær.

آمدند همسایه‌ها صدا کردم را-تو که زمان آن
۸- زمانی که تو را صدا کردم همسایه‌ها آمدند.

9- æyær geyræt-i var-di bæ niyæ qet-mir.

نمی‌رود چرا پس دارد مالکیت-غیرت اگر
۹- اگر غیرت دارد پس چرا نمی‌رود.

10- mæn jævab-in ver-dim **dær hali ke** agha-lar lal gal-mish-di-lar.

مانده بودند لال آقایان که حالی در دادم جوابش من
۱۰- من جوابش را دادم درحالی که آقایان لال مانده بودند.

11-mæn istæ-mir-æm kitab-ï aparam **mægær in ke** gæbul eli-yæ-sæn.

بکنی قبول که این مگر بیرم را-کتاب نمی‌خواهم من
۱۱- من نمی‌خواهم کتاب را بیرم مگر این که قبول بکنی.

12- **be joz in ke** dærdesær ver-æ-siz ayrï ish æliz-dæn qæl-mir.

نمی‌آید از-دستان کار دیگر بدهید دردرس که این جز به
۱۲- به جز این که دردرس بدهید کار دیگری از دستان نمی‌آید.

۵- نتیجه

بررسی داده‌های گردآوری‌شده، حاکی از آن است که عمده حروف ربط زبان فارسی به لحاظ کاربرد در پاره‌گفتارهای گویشوران ترکی آذربایجانی، از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است و تعدادی از این حروف، فقط در گفتار دوزبانه‌های ترکی آذربایجانی-فارسی نمود آوایی پیدا می‌کند. مشاهده نتایج مشابه در اکثر نقاط دنیا که در اثر برخورد زبان‌ها به وقوع می‌پیوندد، به بحث پیرامون تمایز قرض‌گیری واژگانی از رمزگردانی دامن زده است. محققانی نظیر فاف^۱ (۱۹۷۹) و آپیل^۲ (۱۹۸۷)، به عدم تعیین مرز شفاف بین قرض‌گیری واژگانی و رمزگردانی معتقدند؛ درحالی که در چند دهه گذشته، معیارهای

^۱. Pfaff

^۲. Appel

گونگونگی برای تمایز بین این دو پدیده زبانی مطرح شده است. از دیدگاه سریدهار^۱ (۱۹۸۰)، تمامی گویشوران جامعه زبانی (دوزبانها و یک‌زبانها)، عناصر قرضی را به کار می‌برند در صورتی که عناصر رمزگردانی شده، فقط در گفتار دوزبانها بروز و ظهور پیدا می‌کند. پاپ‌لاک^۲ (۱۹۸۰: ۲۲۰)، اظهار می‌کند که بسامد کاربرد عناصر قرضی در زبان پذیرنده، بالاست؛ در حالی که بسامد عناصر رمزگردانی شده، نسبتاً پایین می‌باشد. علاوه بر این او از تلفیق واجی به عنوان معیار دیگری برای تمایز قرض‌گیری واژگانی از رمزگردانی، یاد می‌کند. سازگاری و انطباق عناصر واژگانی با الگوهای واجی زبان دریافت کننده، نشانه قرض‌گیری است اما عدم انطباق واجی بر پدیده رمزگردانی دلالت دارد. میرزاسکاتن (۱۹۹۳، ۲۰۰۶)، نیز معتقد است که معتبرترین معیار برای تشخیص تفاوت بین رمزگردانی و قرض‌گیری، به بسامد نسبی و کامل واژه‌ها در زبان میزبان بستگی دارد. عناصر رمزگردانی شده بسامد کمی دارند ولی عناصر قرضی دارای بسامد زیاد یا کامل هستند. میرزاسکاتن (۲۰۰۲: ۴۱)، قرض‌گیری را به دو نوع قرض‌گیری فرهنگی^۳ و قرض‌گیری کانونی^۴ تقسیم می‌کند. عناصر قرض فرهنگی بر اشیا یا مفاهیمی دلالت دارند که در فرهنگ زبان پذیرنده تازگی دارد، اما عناصر قرض کانونی بر اشیا یا مفاهیمی دلالت دارند که زبان پذیرنده نیز واژگان یا عناصر معادل آنها را در خود دارد؛ بدین ترتیب قرض‌گیری کانونی جایگاه متفاوتی نسبت به قرض‌گیری فرهنگی دارد. میرزاسکاتن (۲۰۰۲)، پیشنهاد می‌کند که عناصر فرهنگی نباید به عنوان عناصر رمزگردانی شده در نظر گرفته شوند هر چند فقط یک بار در پیکره زبان پذیرنده رخ بدهند. زیرا آن واژه‌ها در فرهنگ زبان پذیرنده تازگی دارند و خود به خود واژه‌های قرضی هستند و بخشی از واژگان ذهنی گویشوران آن زبان شده‌اند.

با بررسی داده‌های گردآوری شده، مشخص گردید که سه حرف ربط قیدی (درحالی که، مگر این که و به‌جز این که)، در گفتار دوزبانها، به‌خصوص در گفتار دوزبانهای تحصیل کرده، یافت می‌شود در صورتی که بقیه حروف ربط (و، یا، ولی، اما، که، چون، چون که، زمانی که، هرچند)، توسط تمامی گویشوران ترکی آذربایجانی (یک‌زبانها و دوزبانها) مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین طبق داده‌های جمع‌آوری شده، سه

1. Sridhar

2. Poplack

3. cultural borrowing

4. core borrowing

حروف ربط قیدی در صورتی که، مگر/این که و به‌جز/این که، نسبت به بقیه حروف ربط، بسامد نسبتاً پایینی را داراست. علاوه بر این، تغییراتی در سطح آوایی حروف ربط پربسامد فارسی رخ داده است که می‌توان آن را معلول فرایندی دانست که به تطبیق حروف ربط فارسی با ساخت آوایی ترکی آذربایجانی منجر شده است:

هماهنگی واکه‌ای (مشخصه بارز زبان ترکی آذربایجانی)، باعث می‌شود تا حرف ربط æmma (اما) و zæmani ke (زمانی که)، به صورت amma و o zamam ki در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی (به‌ویژه در گفتار تک‌زبان‌ها)، ظاهر شود.

حرف ربط ke (که): واکه‌های میانه واژه‌های قرضی تک‌هجایی در زبان ترکی آذربایجانی، افراشته می‌شوند، به‌همین خاطر واکه /e/ در حرف ربط ke، به /i/ تبدیل می‌شود و به صورت ki تلفظ می‌گردد (محمودی، ۱۳۸۴). ممکن است ki بر اثر هماهنگی واکه‌ای و با توجه به واژه قبل خودش، به صورت ki (با واکه پسین و افراشته) نیز ادا شود؛ اکثر دوزبان‌های تحصیل‌کرده ترکی آذربایجانی-فارسی، واکه حرف ربط که، را در حروف ربط قیدی درحالی که، مگر/این که و به‌جز/این مانند فارسی‌زبانان تلفظ می‌کنند، هرچند همخوان تولیدی آنها همچنان انسدادی و پیش‌کامی (k ترکی آذربایجانی) است.

حروف ربط chon (چون): افراستگی واکه‌های میانه در واژه‌های قرضی تک‌هجایی باعث می‌شود تا chon در ترکی آذربایجانی به chün (با واکه پیشین، گرد و افراشته) تبدیل شود (محمودی، ۱۳۸۴).

æqær- (اگر): همخوان انسدادی، پیش‌کامی /g/ در موضع میانی واژه‌های بیش از یک هجای ترکی آذربایجانی، به غلت /y/ تبدیل می‌شود، به این دلیل æqær (اگر) در ترکی آذربایجانی به صورت æyær نمود آوایی پیدا می‌کند. /y/ در ترکی آذربایجانی واج‌گونه‌ای از /g/ است (محمودی، ۱۳۸۴).

بنابراین بخش عمده‌ای از حروف ربط فارسی (اما، که، زمانی که، چون، چون که، اگر و ...) در انطباق کامل با نظام آوایی ترکی آذربایجانی، در گفتار گویشوران آن زبان نمایان می‌شوند. در نتیجه با در نظر گرفتن معیار زبانی (تلفیق واجی) و معیارهای غیرزبانی (فراوانی رخداد واژه‌ها و کاربرد آنها توسط یک‌زبان‌ها یا دوزبان‌ها) می‌توان گفت که حروف ربط قیدی درحالی که، مگر/این که و به‌جز/این که به‌عنوان عناصر رمزگردانی شده و بقیه حروف ربط به‌عنوان عناصر قرضی در زبان ترکی آذربایجانی ایفای نقش می‌نمایند.

البته محققانی نظیر پاپ‌لاک و می‌چان^۱ (۱۹۹۵)، علاوه بر تلفیق واجی از تلفیق ساختواژی و نحوی نیز برای تمایز رمزگردانی از قرض‌گیری واژگانی استفاده می‌کنند. اما به دلیل قابل تقطیع نبودن حروف ربط زبان فارسی (عدم دریافت پسوند و پیشوند) و عدم حاکمیت آنها، توسط عنصر صرفی و زمان فعل بند وابسته (به خاطر قرار گرفتن در جایگاه هسته گروه متمم‌نما)، از مباحث تلفیق ساختواژی و نحوی در همین ارتباط صرف نظر می‌شود.

کامری^۲ (۱۹۸۱)، به انواعی از حروف ربط زبان فارسی (و، اما، اگر ...) اشاره دارد که از قرن سیزدهم میلادی به بعد، به زبان‌های ترکی وارد شده است و رخداد انواعی از بندهای وابسته زبان فارسی را در این زبان‌ها، ممکن ساخته است. کتاب‌های دستور زبان ترکی متعددی مانند آندرهیل^۳ (۱۹۷۹: ۴۳۸)، فرزانه (۱۳۵۷: ۱۱۸)، لی (۱۹۹۶: ۸۶)، از حروف ربط زیادی (و، یا، اما، که، چون، چون که، زمانی که، هرچند و ...) نام می‌برند که ترک‌زبانان در طول سالیان متمادی از زبان فارسی قرض گرفته‌اند و هنوز هم به کار می‌برند. توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، معتقدند که قرض‌گیری واژگانی اغلب بدون دوزبانگی گسترده در جامعه زبانی رخ می‌دهد؛ درحالی که برای قرض‌گیری دستوری به دوزبانگی گسترده سه نسل در زبان میزبان و در بازه زمانی قابل توجه، نیاز هست.

تغییرات نحوی حاصل از کاربرد حروف ربط زبان فارسی در زبان ترکی آذربایجانی و شواهد تاریخی و مکتوب دال بر وجود این تغییرات در اکثر منابع معتبر، همچنین تحلیل داده‌ها براساس معیارهای زبانی و غیرزبانی تمایز رمزگردانی از قرض‌گیری، نشان می‌دهد که عمده حروف ربط زبان فارسی به صورت وام‌واژه در زبان ترکی آذربایجانی نقش آفرینی می‌کنند و تعدادی از این حروف هم، به عنوان عناصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبان‌های ترکی آذربایجانی-فارسی ظاهر می‌شوند و ممکن است با گذشت زمان و به واسطه کاربرد زیاد، به واژه‌های قرضی تبدیل شوند. یافته‌های تحقیق حاضر، شاهد عینی برای تکمیل و تثبیت راه‌یابی عناصر از زبانی به زبان دیگر، در نتیجه برخورد و تماس بین آنهاست که میرزاسکاتن (۱۹۹۳)، آن را مطرح کرد و تحت عنوان پیوستار رمزگردانی- قرض‌گیری معرفی نمود.

1. Poplack & Mechan

2. Comrie

3. Underhill

به هر حال، سال‌هاست که هر دو نوع حروف ربط هم‌پایه (و، اما، ...) و وابسته (اگر، چون، که و ...) فارسی در زبان‌های ترکی، به کار گرفته می‌شوند. اما تأثیرگذاری حروف ربط وابسته فارسی بر نحو ترکی آذربایجانی بارزتر است و این تغییرات در جملات مرکب ناهم‌پایه‌ای ترکی آذربایجانی با بندهای متممی، موصولی و وابسته قیدی، نمایان است (مثال‌های ۵ تا ۱۲).

۱-۵- بند موصولی: عناصر وابسته در ترکی آذربایجانی اغلب پیش از هسته گروه نحوی می‌آیند، بنابراین بند موصولی ترکی آذربایجانی در مقام یک بند وابسته، پیش از هسته اسمی می‌آید (مثال ۱۳).

13- qej qælæn ushag-lar gapi-da gal-di-lar.

مانند پشت در بچه‌ها آمدن دیر

در مثال ۱۳، بند موصولی قبل از هسته اسمی قرار گرفته است (الگوی ترکی آذربایجانی)، اما همان‌طوری که در مثال (۵)، مشاهده گردید، وام‌گیری حرف ربط که فارسی، موجب شده است بند موصولی در ترکی آذربایجانی پس از هسته اسمی (الگوی زبان فارسی) به کار گرفته شود.

۲-۵- بند متممی: بند متممی ترکی آذربایجانی از نوع چپ‌انشعابی^۱ است؛ در این زبان، بند متممی به‌عنوان یک بند وابسته، معمولاً قبل از بند مستقل قرار می‌گیرد (مثال، ۱۴). اما وام‌گیری حرف ربط که فارسی، باعث شده است تا گویشوران ترکی آذربایجانی بند متممی راست‌انشعابی^۲ (الگوی زبان فارسی) را در زبان خود به کار برند (مثال، ۶).

14- zæñq-in tez vîr-îl-mag-în ushax-lar bil-ir-di-lær.

می‌دانستند بچه‌ها ملکی-زده شدن زود ملکی-زنگ

۱۴- بچه‌ها می‌دانستند (که) زنگ زود زده خواهد شد.

۳-۵- بند وابسته قیدی: ترکیب بندهای جمله مرکب ترکی آذربایجانی در اغلب موارد بدون نشانه‌های ربطی و از طریق آهنگ ادا و یا مکث انجام می‌گیرد، اما پیوند بندهای وابسته قیدی و بندهای مستقل در جمله‌های مرکب ناهم‌پایه این زبان، هم با الحاق نشانه‌های ربطی -dæ (هنگامی که)، -sa (اگر)، و ... به‌عنوان پسوند به فعل بند وابسته (مثال‌های ۱۵ و ۱۶)، و هم با افزودن حروف ربط قیدی deyin (برای این که)، qora (به‌خاطر) و ... به‌عنوان تکواژ مستقل پس از بند وابسته (مثال ۱۷)، امکان‌پذیر است.

^۱. Left branching

^۲. Right branching

15- *sæn-i sæsliyæn-dæ gonshu-lar qæl-di-lær.*

آمدند همسایه‌ها به‌هنگام صد کردن را-تو

۱۵- زمانی که تو را صدا کردم همسایه‌ها آمدند.

16- *geyræt-i ol-sa bæ niyæ qet-mir.*

نمی‌رود چرا پس اگر باش مالکیت-غیرت

۱۶- اگر غیرت دارد پس چرا نمی‌رود.

17- *sæn-i apar-ma-sîn deyin qej qæl-di.*

آمد دیر برای این که نبرد را-تو

۱۷- برای این که تو را نبرد دیر آمد.

بنابراین نشانه‌های ربطی در ترکی آذربایجانی، یا به آخر فعل بند وابسته قیدی ملحق می‌شوند (ساخت پیوندی) و یا به صورت تکواژ مستقل در پایان آن بند قرار می‌گیرند (ساخت تحلیلی). در هر دو حالت، بند وابسته قیدی اغلب دارای فعل ناخودایستا^(۲) است، در حالی که حروف ربط در زبان فارسی همیشه به صورت تکواژ مستقل در آغاز بند وابسته قیدی با فعل خودایستا ظاهر می‌شوند (ساخت تحلیلی). اگر بند وابسته در یک جمله مرکب ناهم‌پایه ترکی آذربایجانی به شرط یا موقعیت غیرواقعی و غیرممکن دلالت داشته باشد، در آن صورت حرف ربط قیدی *yoXsa* (وگرنه) در آغاز بند وابسته با فعل خودایستا قرار می‌گیرد (مثال ۱۸). کاربرد این ساخت که محدود به بافت خاص است با پیوند بندهای وابسته و مستقل زبان فارسی کاملاً مطابقت دارد.

18- *sæn-næ tapshir-mish-di yoXsa mæn qætir-ær-dim.*

می‌آوردم من وگرنه سفارش کرده بود به تو

۱۸- به تو سفارش کرده بود وگرنه من می‌آوردم.

وام‌گیری حروف ربط قیدی چون، زمانی که، اگر، هرچند، به جز این که و ... از زبان فارسی موجب شده است که کاربرد جملات مرکب ناهم‌پایه منطبق با الگوی زبان فارسی، در ترکی آذربایجانی (مثال‌های ۷ تا ۱۲)، افزایش یابد. یافته‌های لی (۱۹۹۶: ۲۰۸)، نشان می‌دهد که هروقت بند موصولی کوتاه باشد (از ۴ کلمه بیشتر نباشد)، گویشوران ترکی آذربایجانی بند موصولی پیش‌هسته‌ای زبان خود را انتخاب می‌کنند؛ اما اگر بند موصولی طویل‌تر باشد، آنها به کاربرد بند موصولی پس‌هسته‌ای (الگوی زبان فارسی) روی می‌آورند. محمودی (۱۳۹۳)، بر این نکته اشاره کرده است که با کاربرد

^۱. افعالی که صرف نمی‌شوند و حاوی اطلاعاتی همچون زمان، شخص و شمار نیستند (infinite verb).

نشانه شرطی فارسی (اگر) در زبان ترکی آذربایجانی، ترتیب عناصر جمله نیز تغییر می‌یابد. وی معتقد است که ساخت جدید جایگزین ساخت بومی نمی‌شود، بلکه هریک از آن ساخت‌ها، بسته به عواملی همچون ساخت اطلاع جمله، در بافت‌های مختلفی به کار می‌روند.

ساخت‌های نحوی یکی از ابزارهای مهم برای مشخص کردن تأکید روی عنصر یا عناصری از جمله است و جابه‌جایی سازه‌ها می‌تواند ساخت اطلاعی جمله را دگرگون سازد. اگر تأکید در جمله مرکب ناهم‌پایه، روی هسته بند موصولی، حروف ربط قیدی و سازه‌های بند غیرمتممی جمله مرکب باشد، سخنگویان ترکی آذربایجانی با وام‌گیری حروف ربط زبان فارسی از الگوهای نحوی آن زبان (بند موصولی پس‌هسته‌ای، حروف ربط در آغاز بند وابسته و بند متممی راست‌انشعایی) استفاده می‌کنند. اما اگر کانون توجه روی عناصر وابسته جمله مرکب باشد؛ گویشوران ترکی آذربایجانی، الگوهای زبان خود (بند موصولی پیش‌هسته‌ای، نشانه‌های ربطی پس از بند وابسته و بند متممی چپ انشعایی) را انتخاب می‌نمایند، زیرا عناصر وابسته در ترکی آذربایجانی پیش از عناصر مستقل می‌آیند. همان‌طوری که در جدول ۱، مشخص است؛ ۸۱ درصد بندهای متممی، ۴۸ درصد بندهای موصولی و ۴۲ درصد بندهای قیدی بر اساس الگوهای جملات مرکب ناهم‌پایه‌ای زبان فارسی به کار رفته است. بنابراین گویشوران ترکی آذربایجانی با وام‌گیری حروف ربط زبان فارسی، الگوی پیوند بندهای وابسته و مستقل فارسی را جایگزین الگوهای نحوی زبان خود نکرده‌اند، بلکه آنها علاوه بر الگوهای پیوند بندهای جملات مرکب ناهم‌پایه زبان خود، از الگوهای زبان فارسی هم استفاده می‌نمایند. بنابراین چه انگیزه‌های کلامی-معنایی و چه دلایلی که محققان پیشین نظیر سلوین (۱۹۸۶) و لی (۱۹۹۶)، پیشنهاد دادند، همگی دلایل کاربردی هستند که به تغییرات نحوی در ترکی آذربایجانی منجر شده است و سخنگویان ترکی آذربایجانی با ایجاد این تغییرات، به تنوع کاربرد ساخت‌های نحوی و غنای زبانی خود وسعت داده‌اند. تغییرات نحوی حاصل از وام‌گیری حروف ربط زبان فارسی در زبان ترکی آذربایجانی، در جهت همگرایی زبان ترکی آذربایجانی با زبان فارسی صورت پذیرفته است که از پیامدهای طبیعی برخورد و تماس زبان‌ها می‌باشد. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۴۲)، معتقد است زبان فارسی به‌عنوان لایه زیرین^۱ همچنان ویژگی‌های خود را به زبان‌های دیگر ایران به‌عنوان لایه زیرین^۲ منتقل

1. superstratum

2. substratum

می‌کند و قرض‌گیری به همگرایی ساختاری بیشتر این زبان‌ها با زبان فارسی خواهد انجامید. همان‌طوری که قبلاً ذکر شد ترفرزدالر (۲۰۱۰)، در ارتباط با تغییرات نحوی حاصل از وام‌گیری حروف ربط، به قرض‌گیری هلندی بروکسلی از فرانسه اشاره دارد. حروف ربط در جایگاه آغازین بندهای مستقل زبان هلندی بروکسلی می‌آید، اما گویشوران هلندی بروکسلی، حروف ربط قرضی را تحت تأثیر زبان فرانسه، در آغاز بندهای وابسته زبان خود به کار می‌برند. ترفرزدالر (۲۰۱۰)، معتقد است که این نوع تغییرات نحوی در انطباق با سطح دوم سلسله مراتب قرض‌گیری توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، محدود است. زیرا وام‌گیری حروف ربط، هنوز تغییرات نحوی محسوسی را به‌ویژه از جنبه رده‌شناختی در هلندی بروکسلی به وجود نیاورده است. یافته‌های تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد که تغییرات حاصل از وام‌گیری حروف ربط زبان فارسی، هنوز به تغییرات عمده در نحو زبان ترکی آذربایجانی منجر نشده است و این تغییرات با سطح دوم رده‌بندی عناصر قرضی توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، مطابقت دارد که دامنه تغییرات نحوی حاصل از وام‌گیری حروف ربط در زبان قرض‌گیرنده را، محدود و اندک فرض می‌کند؛ در صورتی که قرض‌گیری در سطوح بالاتر، به تغییر در ساختمان و رده‌بندی صرفی زبان قرض‌گیرنده ختم می‌شود.

پی‌نوشت

۱. (Code-switching) منظور از رمزگردانی زبانی در این تحقیق، همان رمزگردانی درون‌جمله‌ای است.
۲. (infinite verb) افعالی که صرف نمی‌شوند و حاوی اطلاعاتی همچون زمان، شخص و شمار نیستند.

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، جلد ۱، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- صفوی، کوروش (۱۳۷۴). واژه‌های قرضی در زبان فارسی، *نامه فرهنگ*، شماره ۱۹، ۹۶-۱۱۱.
- غیاثیان، مریم‌السادات و رضائی، حکیمه (۱۳۹۱). بررسی پدیده رمزگردانی در میان دوزبانه‌های ارمنی-فارسی تهران، *همایش ملی دوزبانه‌نگی، چالش‌ها و راه‌کارها*، شازند.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۵۷). *مبانی دستور زبان آذربایجانی*، تهران، انتشارات فرزانه.
- محمودی، بتول (۱۳۸۴). تغییرات تلفظی واژگان فارسی هنگام استفاده در گفتار رسمی زبان نوشتاری ترک‌زبانان تبریز، *زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۲، ۱-۱۹.
- محمودی، سولماز (۱۳۹۳). زبان ترکی آذربایجانی در گذر تاریخ، *مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی زبان*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- مشکوٰه‌الدینی، مهدی (۱۳۹۴). دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، ویرایش دوم، تهران، سمت.
- نغزگوی‌کهن، مهرداد و عبدالملکی، علی (۱۳۹۳). وام‌گیری فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، شماره ۷، ۹۷-۱۱۳.
- یاری، سیاوش (۱۳۷۴). فرض‌گیری واژگانی زبان ترکی آذری از زبان فارسی و بررسی علل و زمینه‌های آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- Dabir- Moghaddam, M. 2013. Iranian language typology. Volume 1, First publication. Tehran: The organization for researching and composing university textbooks in the humanities (SAMT). [In Persian].
- Dabir-Moghaddam, M. 2013. *Iranian language typology*. Volume 1, First publication. Tehran: The organization for researching and composing university textbooks in the humanities (SAMT). [In Persian].
- Farzaneh, M. 1978. The base of Azarbayjanian grammar. Tehran: Farzaneh publication. [In Persian].
- Farzaneh, M. 1978. *The base of Azarbayjanian grammar*. Tehran: Farzaneh publication. [In Persian].
- Ghiasiyan, M. & Rezaei, H. 2012. The study of codeswitching among Armenian-Persian bilinguals in Tehran. National bilingual conference. Challenges and strategies. Shazand. [In Persian].
- Ghiasiyan, M. & Rezaei, H. 2012. The study of codeswitching among Armenian-Persian bilinguals in Tehran. *National bilingual conference*. Challenges and strategies. Shazand. [In Persian].
- Mahmoodi, B. 2005. Pronunciation changes in Persian words in formal Tabriz variety of Turkish (written language). *Language and linguistics*, 2, 1-19. [In Persian].
- Mahmoodi, B. 2005. Pronunciation changes in Persian words in formal Tabriz variety of Turkish (written language). *Language and linguistics*, 2, 1-19. [In Persian].
- Mahmoodi, S. 2014. Azarbayjanian Language during history. Second international conference of Iranian Languages and dialects, Iranian Islamic research center. [In Persian].
- Mahmoodi, S. 2014. Azarbayjanian Language during history. *Second international conference of Iranian Languages and dialects*, Iranian Islamic research center. [In Persian].
- Meshkato-Dini, M. 2015. *Persian grammar (The lexical categories and merge)*, Second edition. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Modarresi, Y. 2008. *The sociology of language*. Tehran: The institute for humanities and cultural studies. [In Persian].
- Modarresi, Y. 2008. The sociology of language. Tehran: The institute for humanities and cultural studies. [In Persian].
- Moshkatoddini, M. 2015. Persian grammar (The lexical categories and merge), Second edition. Tehran: SAMT. [In Persian].

- Nagzguyekohan, M. & Abdolmaleki, A. 2014. Verb borrowing in Persian, Kurdish and Azarbayjani. *Comparative linguistic researches*, 7, 97-113. [In Persian].
- Nagzguyekohan, M. & Abdolmaleki, A. 2014. Verb borrowing in Persian, Kurdish and Azarbayjani. *Comparative linguistic researches*, 7, 97-113. [In Persian].
- Safavi, K. 1995. Borrowed words in Persian. *Culture letter*, 19, 96-111. [In Persian].
- Safavi, K. 1995. *Borrowed words in Persian*. *Culture letter*, 19, 96-111. [In Persian].
- Yari, S. 1995. The lexical borrowing of Azarbayjanian language from Persian and studying its reasons. M. A dissertation in linguistics, Tehran: Allameh Tabataba'i university. [In Persian].
- Yari, S. 1995. *The lexical borrowing of Azarbayjanian language from Persian and studying its reasons*. M. A dissertation in linguistics, Tehran: Allameh Tabataba'i university. [In Persian].
- Appel, R. 1987. Kodewisseling: wel of geen beperkingen. *Interdisciplinair Tijdschrift voor Taa/-ell Tekstll'el emc hap 7 (3)*, 191- 199.
- Bloomfield. 1933. *Language*. New York: HOH.
- Comrie, B. 1981 b. *The languages of the Soviet Union*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dawkins, R. M. 1916. *Modern Greek in Asia Minor*. Cambridge University Press.
- Fraser, Br. 1999. What are discourse markers. *Journal of Pragmatics*, 31.
- Goss, L. & Salmons, J. 2000. The Evolution of a Bilingual Discourse Marking System: Modal Particles and English Markers in German-American Dialects. *International Journal of Bilingualism*, 4 (4): 469-484.
- Haugen, E. 1950. The analysis of linguistic borrowing. *Language*, 26, 210-231.
- Lee, S., N. 1996. *A Grammar of Iranian Azerbaijani*. Doctoral dissertation, Sussex university.
- Matras, Y. 1998. Utterance modifiers and universals of grammatical borrowing. *Linguistics*, 36(2): 281-331.
- Musken, P. 1981a. Quechua en Spaans in het Andesgebied [Quechua and Spanish in the Andes.] *Tijdschrift voor Taalen Tekstwetenschap* 1: 124-138.
- Myers-Scotton, C. 1993. *Dueling languages: Grammatical structure in code switching*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. 2002. *Contact linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. 2006. *Multiple voices: An introduction to bilingualism*. Oxford: Blackwell.
- Pfaf, C. 1979. Constraints on language mixing: intrasentential code-switching and borrowing in Spanish/English. *Language*, 55, 291-318.

- Poplack, S. & Meechan, M. 1995. Patterns of language mixture: Nominal structure in Wolof–French and Fongbe–French bilingual discourse. In L. Milroy & P. Muyesken (Eds), *One speaker two languages: Cross disciplinary perspective on code-switching* (199–232). Cambridge: Cambridge University Press.
- Poplack, S. 1980. Sometimes I'll start a sentence in English ytermino en español: Toward a typology of code-switching. *Linguistics*, 18, 581 -618.
- Poplack, S., Sankoff, D & Miller, C. 1988. The social correlates and linguistic processes of lexical borrowing and assimilation. *Linguistics*, 26: 47–104.
- Salmons, J. 1990. Bilingual discourse marking: Code switching, borrowing, and convergence in some German- American dialects. *Linguistics*, 28(3), 453–480.
- Slobin, D. I. 1986. The acquisition and use of relative clauses in Turkic and indo-European languages, in D. I. Slobin and K. Zimmer (ed.), *Studies in Turkish Linguistics* (273-291). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Sridhar, S. K. 1980. The syntax and psycholinguistics of bilingual code-mixing. *Canadian Journal of Psychology*, 34(4), 407–416.
- Thomason, S. & Kaufman, T. 1988. *Language Contact, Creolization, and Genetic Linguistics*. Berkeley: University of California Press.
- Treffers-Daller, J. 2010. Borrowing. In M., Östman, J. O. and Verschueren, J. (eds.) Variation and change: pragmatic perspectives. *Handbook of pragmatics highlights* (6). John Benjamins, Amsterdam / Philadelphia (17-35). ISBN 9789027289179.
- Underhill, R. 1979. *Turkish grammar*. Cambridge: MIT.
- Van Dulm, O. 2007. *The grammar of English-Afrikaans code switching: A feature checking account*. Utrecht: LOT.
- Weinreich, U. 1953. *Languages in contact*. The Hague Mouton.